

امید

 مه‌ودی کیا کاپیتان امید را مشخص کرد
تیم امید در اولین بازی دوستانه خود پیش از حضور در بازی‌های مقدماتی قهرمانی زیر ۲۳ سال آسیا موفق شد تیم خوشه طلایی را با نتیجه دو بر یک شکست دهد. دراین بازی محمد سلطانی مهر هافبک دفاعی تیم ذوب‌آهن یازوبند کاپیتانی تیم امید را برپایزوست. نکته جالب اینکه محمد سلطانی مهر در جام ملت‌های جوانان در سال ۲۰۱۶ و جام جهانی جوانان در سال ۲۰۱۷ یکی ازبازیکنان تیم ملی جوانان بود و با گذشت ۵ سال از رقابت‌های جام جهانی شرایط سنی او به گونه‌ای است

تیم امید بدون بازی تدارکاتی بین‌المللی در شهر دوشنبه
به اعلام مهدی مه‌ودی کیا سرمربی تیم امید این تیم بدون انجام بازی تدارکاتی بین‌المللی برای حضور در بازی‌های مقدماتی قهرمانی زیر ۲۳ سال آسیا راهی شهر دوشنبه خواهد شد. تیم امید روز گذشته در اولین بازی تدارکاتی خود تیم دسته اولی خوشه طلایی را با نتیجه دوبریک شکست داد و تایش از اعزام به شهر دوشنبه یک بازی تدارکاتی دیگر هم انجام خواهد داد که این دیدار هم بایک تیم داخلی خواهد بود. فدراسیون فوتبال در تلاش برای تدارک بازی دوستانه بین‌المللی برای تیم امید بود که در نهایت این موضوع محقق نشد. تیم امید بر اساس برنامه اعلام شده از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا باید در
سوزه روز

ایران – کره، در سینما ۳۰ هزار تومان

به خواست فدراسیون فوتبال و به دلیل برخی مسائل که نبود زیرساخت‌های لازم جهت پذیرش تماشاگران در ورزشگاه آزادی در دوران کروناست، هیچ تماشاگری به بازی ایران – کره راه پیدا نکرد. عجب ام‌این بود که سینماها علی‌رغم سرسته بودن و نبود زیرساختی جهت پذیرش متفاوتی، چرا که در روی تماشاگران فوتبال باز کردند. به دنبال همین موضوع محمدرضا صابری سخنگوی انجمن سینمداران بیان کرد که بازی ایران و کره جنوبی در سینماها بخش می شود. محمدرضا صابری سخنگوی انجمن سینمداران گفت: «بر اساس

خبر و گزارش
از تئوری توطئه تا استقبال کره جنوبی!
کره جنوبی پنهان نمانده است و با توجه به سوابق این داور، از انتحاب احمد الکاف برای بازی تیم ملی کشورشان استقبال کردند. سایت star کره جنوبی اعلام کرد که ایران با طرح این مسائل، «تئوری توطئه» را پیش کشیده‌است و هر مسابقه‌ای که احمد الکاف آن در قضاوت کرده، با باعث تیم‌های ایرانی تمام شده است. این رسانه کره‌ای ضمن اشاره به مسابقاتی که ایران در آنها از قضاوت داور عمانی منصرف شده است، در پایان نوشت: «آیا همانطور که رسانه‌های ایران مدعی هستند، این داور دوباره رفتار رابطه بدی با ایران می‌شود؟ اگر چنین است، این یک مزیت و امتیاز مثبت برای کره است.»

تماشاگران باشروع لیگ در ورزشگاه

سریست دیرکلی فدراسیون فوتبال از حضور تماشاگران در بازی‌های لیگ خبر داد. حسن کامرانی فربا ارائه توضیحاتی درباره دلایل بدون تماشاگر برگزار شدن دیدار ایران و کره جنوبی گفت: «رابطه به گونه‌ای رقم خورد که نمی‌توانستیم فوتبال ایران درگیر حاشیه شود. ما باید از فوتبال ایران مراقبت می‌کردیم. ان‌شاء‌الله با شروع بازی تماشاگران در ورزشگاه حاضر خواهند شد.»	
---	---------------

غیبت سؤال برانگیز خادم نایب رئیس در حضور وزیر

یکی از اتفاقات عجیب دوشنبه شب در اردوی تیم ملی فوتبال زنان، غیبت نایب رئیس فدراسیون فوتبال در دیدار حضوری وزیر ورزش با ملی‌پوشان بود. دوشنبه شب اردوی آماده‌سازی تیم ملی فوتبال زنان که از ۱۷ مهرماه آغاز شده و تا ۲۲ مهر ادامه دارد، یک میهمان ویژه داشت و محمد سجادی وزیر ورزش و جوانان با همراهی شهاب عزیزی خادم رئیس فدراسیون فوتبال از نزدیک شاهد عملکرد شاگردان ایران دوست بودند و برای قضاوتی با آنها کپ و گفتی را داشتند. این نخستین حضور سجدای در اردوی تیم ملی فوتبال زنان بود که پس از تاریخ‌های ملی‌پوشان در راه رسیدن به جام ملت‌های آسیا با قدم خور و وزیر ورزش هم تأکید کرد که این وزارتخانه برای حمایت از فوتبال زنان پایبند نمی‌گذازد و با تمام توان در کنار شاگردان ایران دوست خواهد است.

	🏠 📧 امیر اسدی @amir_asadi62	
---------------	--	---------------

آتهایی که سن بیشتری دارند و فوتبال را از اواسط دهه ۶۰ تا اوائل دهه ۸۰ دنبال کرده‌اند، علی اصغر مدیر روستا را به خوبی می‌شناسند. گلزن قهاری که هر چند در استقلال و پرسپولیس بازی نکرد اما همیشه یک پای کورس آقای گلی بود و در ترافیک مهاجمان آماده به تیم ملی هم دعوت می‌شد و بازی می‌کرد. مدیر روستا شاید در تیم ملی که آن زمان سالانه پیشتر از چهار پنج بازی انجام نمی‌داد، تعداد حضورش کم باشد اما مارش در گلزنی فوق العاده است. او در روزهایی که خداداد و علی دایی می‌درخشیدند و در اوج قرار داشتند، توانست به ترکیب اصلی تیم ملی برسد و جزئی از نسل موفق و فراموش ناشدنی ۹۸ باشد. نسلی که هنوز هم از بازیکنانش به نیکی یاد می‌شود. علی اصغر مدیر روستا میهمان این شماره ایران ورزشی است. مهاجمی که فوتبال را در همای کرج آغاز کرد و با پیکان نیز پا به عرصه مربیگری گذاشت. گلزنی که حتی در حضور فرشاد پیوس توانست عنوان آقای گلی را به دست بیاورد، هرگز پیراهن استقلال و پرسپولیس را نبوشید اما از معدود بازیکنانی بود که بدون حضور در این دو تیم، بیش از ۳۰ بازی ملی انجام داد. با اواز آغاز دوران فوتبالش، به حالا که کمی از مستطیل سبز دور شده، رسیدیم. مصاحبه با یکی از بهترین مهاجمان بعد از انقلاب پیش روی تان است.

	🏠 📧 امیر اسدی @amir_asadi62	
---------------	--	---------------

ابتدا می‌خواهم بدانم چرقه فوتبالیست شدن شما کجا خورد و چگونه توانستید وارد این عرصه شوید؟ من مثل همه فوتبالیست‌های قدیم، از کوجه و خیابان و زمین‌های خاکی در خیابان برقان کرم فوتبالی را شروع کردم. ما گروهی بودیم که هر روز با هم بازی می‌کردیم. یکی از بازیکنان باشگاهی به نام حسین کاینصر که ستنش بالاتر از ما بود و خانه‌اش چند کوجه آنطرف‌تر از ما، به تمرین می‌رفت که دید بازی می‌کنیم و استعداد داریم. ایستاد و گفت اگر می‌پرن، جقدر خوشحال می‌شوند. به همین دلیل علاقه‌مند شدم و به فوتبال دلبستگی پیدا کردم. در ده نوجوان و جوانان قهرمان کرج شدیم، ضمن اینکه من برای بزرگسالان باشگاه هم بازی می‌کردم. بعد از آن به تهران آمدم که البته خیلی هم اتفاقی بود.

چرا اتفاقی؟ آن زمان تیم نفت تهران با مربیگری رحیم حداد زیرن از باشگاه‌های بازیکن ساز ایران بود و البته در ده پایه هم نتایج فوق العاده‌ای کسب می‌کرد. یکی دو تا از دوستان ما آنجا بودند و او به آنها گفته بود مهاجم خوب معرفی کنید تا به نفت بیاوریم. دوستان من گفته بودند مدیر روستا گفته بود اگر خوب است بگوئید به تمرین رفتیم. به سواتم به من گفتند و اولین سوالی که از آنها پرسیدم این بود که آیا زمین تمرین تان چمن است؟ آن زمان به قدری در اسفالت و زمین خاکی بازی می‌کردیم که تمام باهامی زخم شده بود. به همین خاطر وقتی گفتند چمن داریم، بی‌درنگ با آنها به تمرین رفتیم. زمین چمن نفت هم عالی بود. آقای حداد زمین که مثل همه مربیان نمی‌خواست دستش را رو کند، به من گفت لیست تیم پر است. من هم گفتم با توجه به اینکه از کرج آمده‌ام، حداقل تمرین کنم و برنگردم. من جزو تیم ذخیره بودم و مقابل تیم اصلی بازی کردم. ظرف ۲۰ دقیقه سه گل زدم. آقای حداد زمین بازی را قطع کرد و گفت فردا یک قطعه عکس بیاور. گفتم شما که جا ندارید و در جواب گفت یک جا داریم. در جوانان نفت تهران زیاد گل زدم و عارف سید علینائی که سرمربی بزرگسالان بود، من در ترکیب استفاده کرد. آن هم در تیمی که منصور رشیدی دروازه‌بانیش بود و بسیاری از بزرگان حضور داشتند.

بعد به ستاد مشترک رفیتد و دوران سربازی را آنجا گذاریدند؟ ستاد مشترک نه، رفتم دارایی و با ۱۰ هزار تومان قرارداد بستم. این اولین پولی بود که من گرفتم. آقای محضرزاده مالک دارایی بود و او این پول هم برای یک جوان پول زیادی معسوب می‌شد. آن زمان دارایی یوموا و ادیاس می‌پوشید که این مسأله نشان می‌داد جقدر شرایط مالی خوبی دارند. یک سال زیر نظر امیرخان ابوطالب بازی کردم. مربی بزرگی که در استعداد دایی و وارنک ساز زبانه زد بود و این مسأله را قدیمی‌ها بهتر می‌دانند. جوانان دارایی که بودند، به نیم بزرگسالان رفتم و چند گل هم زدم. بعد سال برای گذاردن خدمت سربازی به ستاد مشترک رفتم که مربی اش گودرز حبیبی بود. یک روز در ورزشگاه شیرودی بازی داشتیم که من راه را کم کردم. دبیره رخنن رسیدم و گودرز حبیبی برای ۸ بازی از من استفاده نکرد چون سرباز بودم می‌خواستیم بیشتر خودم را نشان بدهم و به همین دلیل مصمم شدم. ۷٫۶ بازی از ۷ خرفتم. آن زمان دارایی صدر نشین بود و در آخرین دیدار، فصل هم باید مقابل ما قرا می‌گرفت. اگر ما در ستاد مشترک دارایی را می‌پزدیم پرسپولیس قهرمان می‌شد. من دو گل زدم و بازی را سه بر یک بردیم و پرسپولیس هم قهرمان شد. شیرودی پراز جمعیت بود و روز خاطره انگیزی برای پرسپولیسی هارقم خورد. آن فصل، پرسپولیس قهرمانی اش را مدیون ستاد مشترک بود. راستی تا بادم رفته این را پرسم که چرا علی اصغر مدیر روستا مهاجم شد؟

تیم ملی رانگاه می‌کردم و فوتبال حسن روشن را دوست داشتم. همچنین غفور جهانی که دروازه استرلیا را باز کرد و من حدود ۶ سال داشتم به جز اینها گل ندن لذت دیگری داشت و من هم به همین دلیل خط حمله را انتخاب کردم.

شما به جز ده باشگاهی، اواسط دهه ۶۰ حضور در تیم ملی جوانان را هم تجربه کردید. من سه سال عضو تیم ملی جوانان بودم و سالی که به ستاد مشترک رفتم هم به تیم امید دعوت شدم. وقتی راهی پاس شدم هم توانستم به تیم ملی بزرگسالان برشم. شما از جمله پیکنسوانی هشتید که تعصب خاصی به باشگاه پاس دارید. این علاقه از کجا نشأت می‌گیرد؟ دایی بنده، آقای فرامرز محمدیان یک پرسپولیسیی وادشته است. سال ۱۳۵۶ که پاس قهرمان ایران شد، پرسپولیس را یک بر صفر شکست داد. ما نتوانستیم از پیروزم پروریم اما از میدان انقلاب که رد می‌شدیم، هواداران پرسپولیس در اتوبس‌های دوطبقه قدیمی نشستند بودند. همه بگریوند، دایی‌ما گفت چه شد؟ گفتند باختم. من هم در سال ۵۶ و به دلیل کرای خوانی با دایی‌ام، پاس را انتخاب کردم و البته سال‌ها بعد برای این تیم به میدان هم رفتم.

به مرور دوران فوتبال شما برگردیم. از ستاد مشترک و میان آن همه پیشنهاد به پاس رفتید. چرا؟ به خاطر همان هواداری و اتفاقات دهه ۵۶؟

هم آن ماجرا و هم شرایط مناسبی که در پاس برای پیشرفت من وجود داشت. من همان سال اول نتوانستم آقای گل باشگاه‌های تهران بشوم. در تیم‌های تهران الف و تهران ب هم حضور داشتم و هر دو قهرمان ایران هم شدم. سال دوم هم رقابت نزدیک با فرشاد پیوس داشتم اما آقای گل شد و من عنوان دوم را به دست آوردم. سال‌های اول و دوم لیگ آزادگان را قهرمان شدیم و سال سوم هم عنوان قهرمانی را سیاراکسب کردیم. من گل نیمه‌نهایی را زدم و محسن گروسی در فینال به زیبایی دروازه حریف را باز کرد و قهرمان آسیا شدیم. در پاس امکانات مناسبی داشتیم. آقای طباطبایی اسپانسر شده و وضعیت قراردادها هم عالی بود. باور کنید خیلی از بازیکنان پرسپولیس و استقلال هم دوست داشتند به پاس بیایند.

در شرایطی که فرشاد پیوس در پرسپولیس حضور داشت، کسب عنوان آقای گلی و حتی رقابت با او سخت بود. چطور می‌توانستید با او در کورس قرار بگیرید؟ دشوار نبود؟ اختیار داشتند. بهترین هافبک‌ها بهترین مدافعان و بهترین دروازه‌بان را جذب می‌کردند

زیر چاپ

ایران ورزشته



به خاطر روشن مهاجم شدم

مدیر روستا: لژیونرها تیم ملی را با کلاس کرده‌اند

ما را خط زد. آنجا دیگر خداداد و علی دایی کولاک کردند و زوجی خطرناک را به وجود آوردند. علی دایی در جام ملت‌ها آقای گل شد و خداداد هم در آن تورنمنت درخشید. بخصوص مقابل عربستان که آنها را بسیار آزار داد. بعد از بازگشت از جام ملت‌ها، من دوباره دعوت شدم و همراه دایی و خداداد تبدیل به یک ملت شدیم. من بازی می‌کردم و البته هیچ مشکلی هم بین ما وجود نداشت. این را گفتم چون عده‌ای می‌گفتند خداداد با مایلی کهن اختلاف دارد اما ایداً کسی مشکلی نداشت.

از بازی با چین در دالیان و آن شادی گل جالب هم صحبت می‌کنید؟ اصلاً از دستم در رفته بود و نمی‌دانستم چکار کنم. وقتی نتیجه ۲-۳ بود، چین خیلی فشار آورد و حتی ممکن بود گل تساوی را بزنند. گل چهارم که زدیم، نیمکت تیم ملی را دیدم که همه به هوا پریده‌اند. می‌خواستیم به تقلید از یک مهاجم فرانسوی شادی کنم که خوشحالی خودم هم از یادم رفت.

اگر اصغر مدیر روستا الان بازی می‌کرد، برای یک فصل جقدر دستمزد می‌گرفت؟ نمی‌دانم چه بگویم اما الان بازیکنان مدیرانم‌هایی دارند که زمان امضای قرارداد از آنها حمایت می‌کنند. به عنوان نمونه دیدم‌ام که برای مهاجمان بندی می‌گذارند که اگر گل بزنند پاداش می‌گیرند. بابی‌باری دروازه‌بان و مدافعان پاداش گل نخوردن پرداخت می‌کنند. به قول علی بروین، مهاجم آورده‌ایم که گل بزند دیگر، اگر گل نزنند با من چه فرقی می‌کند؟ بگذاریم. من آن زمان دوباره قرارداد بقیه می‌گرفتم. الان اگر سقف قرارداد ۱۰ میلیارد باشد، ۱۸ تا ۲۰ میلیارد می‌گرفتم.

قبول دارید فوتبال ایران به نسبت قبل قاتزی شده و دیگر از آن درگیری‌های گذشته خبری نیست؟

آن زمان مثل الان دچار مصدومیت نمی‌شدیم. فقط یک مینیسک را می‌شناختم و پس. از طرفی دیگر الان سرعت کار تیمی افزایش یافته. یعنی سرعت را انتقال توپ

از دفاع به هافبک و از هافبک به حمله اما تکنیک، شوت، کنترل و پاس افت کرده. ضمن اینکه الان ۱۵،۱۰ سال است گروهی در فوتبال پایه رخنه کرده و اجازه شده به بازیکنان مستعد ر نمی‌دهند. گروهی که با دلالی به تیم‌های پایه رسیده‌اند، حالا بزرگسالان و به یکسری از استعدادها را از بین بردند. همین زد و بند و فساد باعث شده تا فوتبال ما ضعیف شود.

اگر بخواهید تیم منتخب تاریخ فوتبال ایران را معرفی کنید، چه کسانی را در لیست قرار می‌دهید؟

متأسفانه خیلی‌ها از قلم می‌افتند و من شرمند آنها می‌شوم. مثلاً من یک جاعلی کریمی که نابغه فوتبال است را در لیست قرار ندادم. چرا؟ چون حمید استبلی حضور داشت. استبلی هم رفیق صمیمی‌ام است و هم گل قن را زده. مگر می‌شود نام او در لیست نباشد. از طرفی مگر می‌توان علی کریمی را هم در تیم قرار نداد؟ حمید نامجو مطلق چطور؟ به همین دلیل دوست ندارم تیم منتخبی را انتخاب کنم.

از بازیکنان فعلی تیم ملی کسی می‌تواند در ترکیب تیم منتخب شما باشد؟ باید خیلی تلاش کنند که در تیم باشند. الان بازیکنان مورد نظر من مهدی طارمی و سردار آزمون هستند. به نظر من این دو می‌توانند اما من علی دایی و حسن روشن را در خط حمله تیمم قرار دادم. آ.آیا می‌شود از آنها شمشویی کرد؟ به نظر من تاسال‌ها کسی نمی‌تواند دایی و روشن را از آنجا تکان بدهد.

آیا می‌توان به نسل فعلی تیم ملی برای رسیدن به اهداف بزرگتر امیدوار بود؟ این نسل قوی هستند. چرا؟ چون اغلب آنها در لیگ‌های اروپایی بازی می‌کنند و کلاس بالایی از فوتبال را به نمایش می‌گذارند. به عنوان مثال اگر طارمی در ایران می‌ماند، ۲۰ در حد صلا هم پیشرفت نمی‌کرد. همه با تیم ملی روی دوش لژیونرها است و آنها هستند که می‌درخشند. منظور اصلی‌ام این است که چون در اروپا حضور دارند، کلاس جدیدی از فوتبال را برای ما هم به قول معروف تیم ملی را با کلاس کرده‌اند.

شما در دوران بازی پیشنهاد اروپایی دریافت نکردید؟

من در دو مقطع قرار بود به لیگ ترکی بروم اما هر بار بنا به دلایلی این اتفاق رخ نداد. ارتباط ما با ترکیه از طریق ناصر صادقی بود. آقای ازمیرمرامی خواست. من به تیم ملی دعوت شدم اما این مسأله همزمان شد با ماجرای انتقال به ترکیه و البته بازی‌های مرحله اول مقدماتی مقابل المالدیو و سوریه. از مایلی کهن اجازه گرفتم به ترکیه بروم. از تیم ملی کنار ماندم و انتقال به ترکیه هم به تأخیر افتاد. آقای یک مربی رومانیایی داشت که قرار بود به تیم ملی سوریه برود. انتقال او متغی شد و در ترکیه ماند. زمانی که ما برای صحبت نهایی به ترکیه رفتیم، اولیست بازیکنان تیم ملی ایران را در آورد و گفت اگر مدیر روستا در لیست بود، با او قرارداد ببندید. هر چه ما گفتیم با هماهنگی به اردو رفته‌ام. پذیرفت و ماجرای انتقال به همین سادگی متغی شد.

رابطه نزدیکی با علی دایی دارید. اگر بخواهید او را وصف کنید چه می‌گویید؟ دایی از دوسنان صمیمی من است. او یک بازیکن تالاشگرد بود که همیشه دوست داشت برنده باشد. این یکی از بهترین خصلت‌های او بود. ضمن اینکه دایی شناسنامه بین‌المللی فوتبال ایران داشت. ماظنور که از راتینن را با مارادونا و برنزال را با رونالدو می‌شناسد. هر وقت صحبت از فوتبال ایران هم می‌شود، بی‌اختیار دایی علی دایی می‌افتند.

البته رکورد دایی به دست رونالدو شکست.

۱۸،۱۷ سال دایی عنوان بهترین گلزن ملی جهان را در اختیار داشت و در نهایت رونالدو آن را شکست. رکورد برای شکستن است و هستند ما و ارفاقمی که در ثانیه جابه‌جا می‌شوند. وقتی یکی از بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال رکورد دایی را می‌شکند، نه تنها نباید ناراحت شد بلکه باید خوشحال هم بود چون این مسأله نشان می‌دهد دایی چه کار بزرگی انجام داده بود.

فصل قبل مدیر تیرم پیکان بودید اما دیگر در این سمت فعالیت نمی‌کنید. چه زمانی دوباره به فوتبال برمی‌گردید؟

تا وقتی افراد غیر فوتبالی در رأس کار قرار دارند یا فوتبالی‌هایی که فقط در ظاهر چنین ادعایی دارند، امثال ما خارج از کدو هستیم. هر چند باید منتظر بمانیم و ببینیم در آینده چه اتفاقاتی رخ خواهد داد.

واژ همان دقیقه یک روی دروازه حریفان موقعیت می‌ساختند. مناسبست به پرسپولیس دفاعی تریبازی می‌کردیم و هر همین اساس موقعیت‌های کمتری روی دروازه رقیبا خلق می‌کردیم. ما باید از تنک موقعیت‌ها استفاده می‌کردیم اما آنها شرایط مناسبی برای گلزنی داشتند و می‌توانستند گل‌های بیشتری به نمر برسند. البته ما جلد از رقابت، رفاقت هم داشتیم و دوستانی صمیمی برای هم بودیم. یک بار هم من ویوس ۱۱ گل زده بودیم. هفته آخر من سه گل زدم اما وینچ گل و در نهایت عنوان آقای گلی را به دست آورد.

در مورد شما یک نکته جالب وجود دارد. اینکه چرا هیچ وقت به استقلال و پرسپولیس رفتید و پیراهن این دو تیم را نبوشید؟

من از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰ پیشنهادهای زیادی از استقلال و پرسپولیس داشتم اما هرگز قسمت نشد به این دو تیم بروم. حتی سال ۱۳۶۷، زمان مدیریت آقای گودنوری ز همان سالی که امیر قلعه‌نویی و صمد فرای‌هم به استقلال رفتند، قرارداد بستم اما پاسی‌ها سراغم آمدند و رضایت‌مرا از استقلال گرفتند. همه ساله از استقلال و پرسپولیس پیشنهاد داشتم و حتی دو سه بار با آنها ترمیناتم را هم شروع کردم اما دوباره به پاس برگشتم.

علی پروین هم انگار خیلی پیغام و پیغام فرستاد تا شما را جذب کند.

چند بار علی آقا زحمت کشید و از من خواست با پرسپولیس تمرین کنم. آن زمان اما پاسی‌ها زورشان بیشتر بود و به همه می‌چربیدند. به همین خاطر نتوانستم پیراهن پرسپولیس را بپوشم.

در این سال‌ها هر زمان با درخشش در رده باشگاهی، عضو تیم ملی هم بودید. شما با توجه به تعداد بازی‌های ملی‌تان، آمار خوبی در گلزنی دارید.

خب آن زمان بازی‌های ملی کمتر از حالا بود. به عنوان نمونه تیم ملی هر چند ماه یک بار تشکیل می‌شد و بیشتر بازی‌های داخلی بازی تدارکاتی انجام می‌داد و خبری از رقابت‌های بین‌المللی نبود. شاید اگر آن زمان هم تیم ملی به اندازه حالا بازی می‌کرد، الان امثال حمید درخشان، محمد پنجعلی، احمد رضا عابدزاده و بازیکنانی نظیر آنها بالای ۱۵۰ بازی ملی داشتند و نه ۸۰،۷۰ بازی. این

قضیه شامل حال من هم شد. از طرفی دیگر هواداران هم دوست داشتند بازیکنان استقلال و پرسپولیس در تیم ملی بازی کنند و همین مسأله کار امثال من را برای حضور در ترکیب اصلی سخت می‌کرد. کار ساده‌ای نبود اما چنین چالشی را دوست داشتم. آن زمان فقط من، مهدی ابطخی، سیروس قایقران و امیر افشاری از تیم‌هایی جز استقلال و پرسپولیس در تیم ملی حضور داشتیم و باور کنید کار سختی هم برای بازی پیش رو داشتیم.

البته با وجود مهاجمانی آماده و ترافیک سنگین در خط حمله، دعوت به تیم ملی هم از رشتند بود. اینطور نیست؟

زمان مادعوت به تیم ملی هم سخت بود بار تیم ملی روی دوش لژیونرها است دوره مایلی کهن دوره رشد فوتبال بود از سال ۵۶ طرفدار پاس شدم الان بازی می‌کردم، ۲۰ میلیارد می‌گرفتم

صدر صد همینطور است. به این اسامی دقت کنید. ناصر محمد خانی، فرشاد پیوس، کریم یابی، صمد فرمای، اینها هر کدام یک و قطعی برای خودشان بودند. همین مسأله کار را برای بازی در ترکیب اصلی سخت می‌کرد. ما نتوانستیم از پیروزم پروریم اما از میدان انقلاب که رد می‌شدیم، هواداران پرسپولیس در اتوبس‌های دوطبقه قدیمی نشستند بودند. دایی‌ما گفت چه شد؟ گفتند باختم. من هم در سال ۵۶ و به دلیل کرای خوانی با دایی‌ام، پاس را انتخاب کردم و البته سال‌ها بعد برای این تیم به میدان هم رفتم.

شما در تیم رویایی محمد مایلی کهن حضور داشتید و حتی بازی هم می‌کردید. از آن نسل تاریخی ۹۸ بگوئید و اینکه در اردو چه می‌گذشت و تیم چرا با مایلی کهن به موفقیت نرسید؟ دوره مایلی کهن، دوره رشد فوتبال بود. ایشان خیلی از جوان‌ها را معرفی کرد و با آن مدیریت خاص نتایجی گرفت که در شیطکت‌هایی هم صورت می‌گرفت چون زمان مایلی کهن بازی می‌کردم، اینها را نمی‌گویم. برخی فکر نکنند این حرف‌ها را می‌زنم، چون مایلی کهن هوای مرا داشت. ایشان در مقطعی نام مرا حتی در لیست ۷۰ نفره تیم ملی هم قرار نداد. بنابراین بحث من ارتباطی به بازی در تیم ملی ندارد. ملاک و معیارهایی در ذهن مایلی کهن بود که می‌توانست تیم ملی را به موفقیت برساند اما حیف که نگذاشتند او تا آخر روی دست بماند و کارش را به سرانجام برساند.

در مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸، شما به ترکیب اصلی رسیدید و خداداد روی نیمکت نشست. دلیلی داشت؟

قبل از خداداد، من و علی دایی زوج خط حمله را تشکیل می‌دادیم. من به دلیل آسیب دیدگی مدتی دور از فوتبال بودم و مایلی کهن هم مرا برای حضور در جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ دعوت نکرد. البته در تمام بازی‌های تدارکاتی من و علی دایی در خط حمله بودیم اما به بک‌اره مایلی کهن، من و رضا شاهرودی را خط زد.

دیر به تمرین رفتیم و ایشان هم سختگیر بود و البته کار در سنی هم انجام داد که

